

ماآجها

پژوهه‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال ششم، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در آغاز وقت^۱

سید محمدتقی موسوی^۲، منصور مظاهری^۳

چکیده

نماز یکی از ارکان پنج گانه دین اسلام شمرده شده است. انجام این تکلیف الهی در بهترین زمان، علاوه بر پاداش فراوان، موجب تعظیم و بزرگداشت هرچه بیشتر این آیین دینی است. مشهور فقهای امامی بر این باورند که بهترین زمان برای انجام این واجب الهی، اوقات پنج گانه است و خواندن نماز در سه وقت که در میان شیعیان متداول است، سبب فوت فضیلت وقت نمازهای عصر و عشا می گردد. به همین جهت شیعیان از دیر زمان مورد طعن مخالفان بوده اند. ولی از روایات استفاده می شود که درک فضیلت وقت، منحصر به انجام نمازها در اوقات پنج گانه نیست، بلکه جمع بین نمازها در سه وقت نیز

ماآجها
پژوهه‌های فقهی

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در آغاز وقت

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

۲. سطح ۴ حوزه علمیه و دانش آموخته مدرسه فقهی امام محمدباقر علیه السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

mfeb.۱۶@fa.mfeb.ir

۳. استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و عضو کمیته فقه عبادات رساله‌های علمی مرکز مدیریت حوزه علمیه

mansour.mazahery@gmail.com

قم، ایران.

از فضیلت وقت برخوردار است. از روایات موجود در خصوص وقت نماز عصر به دست می‌آید که ابتدای وقت فضیلت نماز عصر، زمان خاصی ندارد و بعد از خواندن نماز ظهر و نوافل آغاز می‌شود. همچنین انحصار وقت فضیلت نماز عشا به زمان سقوط شفق قابل نقد بوده و در مقابل، شروع وقت فضیلت نماز عشا بعد از خواندن نماز مغرب و نوافل قابل اثبات است.

واژگان کلیدی: وقت فضیلت، اول وقت، جمع میان نمازها، فضیلت جمع.

مقدمه

نمازهای یومیه و خواندن آنها در بهترین اوقات از مهم‌ترین دستورات دین مقدس اسلام است. مشهور فقهای امامی معتقدند^۱ که بهترین زمان برای انجام این واجب الهی، اوقات فضیلت پنج گانه صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا است، بلکه برخی این شیوه را از مذهب امامیه بیان نموده و شهرت آن را میان اصحاب به مانند شهرت جواز جمع میان دو نماز دانسته‌اند.^۲ بر این اساس، اقامه نمازهای یومیه در سه وقت صبح، ظهر و مغرب که در میان شیعیان رایج است، خروج از وقت فضیلت نماز عصر و عشا شمرده می‌شود. در حالی که به نظر می‌رسد تنها راه درک وقت فضیلت، اقامه نمازها در پنج وقت نیست؛ بلکه از روایات اهل بیت علیهم‌السلام، درک وقت فضیلت نمازهای یومیه در سه وقت نیز استفاده می‌شود.

شروع وقت فضیلت نماز عصر و عشا بعد از اقامه نماز ظهر و مغرب از همان ابتدای دخول وقت نماز، مدلول مجموعه‌ای از شواهد و قرائن روایی است و نام‌گذاری این دو نماز به عصر و عشا، لزوماً به این معنا نیست که وقت فضیلت این نمازها در زمان عصر و عشا است؛ بنابراین سیره متداول شیعیان در خواندن نمازها در سه وقت، خروج از وقت فضیلت نمازها نبوده و آنان نیز نمازهای یومیه را در اوقات با فضیلت به جا می‌آورند.

پیشینه

بحث از فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در ابتدای وقت از مسائلی است که با این عنوان در هیچ کتاب فقهی یا کلامی به صورت مستقل مطرح نشده است. فقها در اوقات

۱. اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۲، ص ۲۱؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۸.

۲. عاملی، ذکری الشیعة، ج ۲، ص ۳۳۵.

فضیلت نمازها بحث کرده‌اند، ولی بحث ایشان تنها پیرامون جمع و حل تعارض روایات است و اصلاً در صدد این مطلب نبوده‌اند که آیا جمع بین نمازها و اقامه در آغاز وقت نیز مثل تفریق فضیلت دارد یا خیر. به عنوان نمونه، محقق خویی بدین باور رسیده که وقت فضیلت نماز عصر بعد از خواندن نماز ظهر آغاز می‌شود، ولی تنها در صدد بیان جمع روایات، به این نتیجه رسیده است و در کلام خود هیچ اشاره‌ای به فضیلت جمع بین نمازها بر اساس این قول نکرده است. در مجموع، تنها از لابه‌لای فتاوی فقها اشاراتی به این موضوع به دست می‌آید.

دخول وقت فضیلت نماز عصر و عشا بعد از خواندن نماز ظهر و مغرب و نوافل مرتبط، از کلام فقهای همچون ابن حمزه، ابن زهره و شیخ طوسی که از قدمای فقهای امامیه هستند، قابل استفاده است.^۱ همچنین این نظریه از کلمات متأخرین و معاصرینی چون علامه حلی، شیخ انصاری، محقق بروجردی و برخی دیگر از فقها قابل برداشت است.^۲ با توجه به بررسی‌های انجام شده به نظر می‌رسد که این موضوع به صورت مستقل و با رویکرد اثبات فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشاءین در اول وقت در منابع و کتب فقهی و غیر فقهی ذکر نشده است و شاید این اثر اولین تحقیق مستقل در این موضوع است.

مفهوم شناسی

اصطلاح «وقت فضیلت» هر چند در ابواب دیگر فقه نیز کاربرد دارد، ولی بیشتر در مورد وقت نمازهای یومیه استفاده می‌شود. وقت فضیلت، قسمتی از وقت نماز است که اقامه نماز در آن زمان ثواب بیشتری نسبت به سایر اوقات دارد.^۳

در تعریف اصطلاحی «مغرب» اختلاف فراوان وجود دارد. مشهور فقهای امامی، مغرب را زمانی می‌دانند که سرخی سمت مشرق که در هنگام غروب آفتاب پدیدار می‌شود (حمره مشرقیه)، از بین برود.^۴ در مقابل، برخی از فقهای امامی^۱ و جمهور عامه^۲ مغرب را زمانی

۱. طوسی، الوسيلة إلى نيل الفضيلة، ص ۸۱؛ حلبی، غنية النزوع، ص ۶۹؛ طوسی، تهذیب الأحكام، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲. حلی، منتهی المطلب، ج ۴، ص ۱۱۹؛ انصاری، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۶۴؛ بروجردی، تبیان الصلاة، ج ۳، ص ۹۳؛ خویی، التنقیح فی شرح العروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۱۴؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۳۷؛ فاضل لنکرانی، الاحکام الواضحة، ص ۱۱۵؛ وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۸.

۳. گیلانی شفتی، تحفة الأبرار، ج ۱، ص ۱۷۱.

۴. حلی، تذكرة الفقهاء، ج ۲، ص ۳۱۰.

می‌دانند که قرص خورشید ناپدید شود. انتهای وقت نماز عصر، دخول وقت نماز مغرب، پایان زمان امساک در روزه و پایان وقوف اختیاری در عرفات، از آثار شرعی زمان مغرب است. «شفق» اصطلاحی است که درباره وقت نمازهای مغرب و عشا به کار می‌رود.^۳ شفق به سرخی سمت مغرب گفته می‌شود که بعد از غروب آفتاب در سمت مغرب پدیدار و بعد از مدتی از بین می‌رود.^۴ با ناپدید شدن حمزه، وقت فضیلت نماز مغرب پایان، و بنا بر نظر مشهور، وقت فضیلت نماز عشا آغاز می‌شود.

اصطلاح «قدم و قدمین» در روایات و کتب فقها به چشم می‌خورد و بیشتر برای بیان اوقات فضیلت نمازهای واجب و نافله به کار می‌رود.^۵ مراد از قدم در روایات و کتب فقها، یک هفتم شاخص است. وجه نام گذاری آن است که در زمان رسول الله ﷺ، شاخص مردم برای تشخیص ظهر شرعی، دیوار مسجد النبی، با طول قامت یک انسان بود^۶ که قامت هر انسان معمولاً برابر هفت قدم است.

هرچند تعبیر قامت در برخی از ابواب فقهی غیر باب نماز به کار رفته، ولی بیشترین کاربرد آن در جوامع روایی و کتب فقهی در مبحث اوقات نماز می‌باشد. هرگاه سایه شاخص به مقدار شاخص اضافه شود، تعبیر «قامت» و هرگاه به دو برابر آن برسد، تعبیر «قامتین» به کار می‌رود. شاخص در زمان رسول الله ﷺ به اندازه قامت یک انسان معمولی بوده، از این رو تعبیر به قامت و قامتین در روایات وارد شده است. در برخی از روایات مثل و مثلین آمده که به همان معنای قامت و قامتین می‌باشد.

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین در اول وقت

به مشهور فقها نسبت داده شده است که وقت فضیلت نماز عصر را جدا از وقت فضیلت نماز ظهر می‌دانند و به همین علت درک وقت فضیلت، منوط به تفریق بین نماز ظهرین

۱. مانند: عاملی، مدارک الأحکام، ج ۳، ص ۵۳.

۲. ن.ک: ابن قدامة، المغنی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ مقدسی، الشرح الکبیر، ج ۱، ص ۴۷۲.

۳. منسوب به امام رضا علیه السلام، فقه الرضا علیه السلام، ص ۱۰۳؛ مغربی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۹.

۴. حلی، منتهی المطلب، ج ۴، ص ۱۲۴.

۵. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۸؛ طرابلسی، المهذب، ج ۱، ص ۷۱.

۶. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۶.

خواهد بود.^۱ در حالی که به نظر می‌رسد شروع وقت فضیلت نماز عصر، بعد از خواندن نماز ظهر و از همان ابتدای زوال است. فقهای امامی^۲ قائلند که ابتدای وقت فضیلت نماز ظهر از زوال خورشید آغاز می‌شود و به مشهور فقها نسبت داده شده^۳ که وقت فضیلت نماز عصر، زمانی است که سایه شاخص به مقدار شاخص زیاد شود، در حالی که با مراجعه به کلمات فقها، انتساب این قول به مشهور، خصوصاً قدماى فقهای امامی خالی از اشکال نیست^۴؛ زیرا از ظاهر کلام سلار، شیخ طوسی و محقق حلی خلاف آنچه به مشهور فقها نسبت داده شده، استفاده می‌شود.^۵

ابتدای زوال خورشید و بعد از خواندن نماز ظهر، دیدگاه دیگری در ابتدای وقت فضیلت نماز عصر است.^۶ بر اساس این دیدگاه، جمع بین نمازهای ظهر و عصر در ابتدای زوال، سبب ترک وقت فضیلت نماز عصر نیست. اثبات این دیدگاه نیازمند بررسی دقیق‌تر روایات در خصوص وقت فضیلت نماز عصر است. روایات در این باره فراوان و متنوع هستند و می‌توان آنها را در سه دسته جمع آوری کرد که ذیلاً به همراه یک نمونه روایی بیان می‌گردد:

۱. روایات دو قدم: موثقه ذریح محاربی در این دسته قرار دارد:

عنه عن عبدالله بن جبلة عن ذريح المحاربي عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَسٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ إِلَى أَنْ قَالَ فَقَالَ بَعْضُ الْقَوْمِ إِنَّا نُصَلِّي الْأُولَى إِذَا كَانَتْ عَلَى قَدَمَيْنِ وَ الْعَصْرَ عَلَى أَرْبَعَةِ أَقْدَامٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام النَّصْفُ مِنْ ذَلِكَ أَحَبُّ إِلَيَّ»^۷.

ضمیر در آغاز سند به حسن بن محمد بن سماعه باز می‌گردد. راویان همه توثیق شده‌اند، جز ابن عبدون که در طریق شیخ طوسی تا حسن بن محمد بن سماعه قرار دارد.^۸

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در آغاز وقت

۱. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۸.

۲. ن.ک: عاملی، مفتاح الکرامه (ط-الحدیثه)، ج ۵، ص ۵۸.

۳. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۸.

۴. عاملی، مفتاح الکرامه (ط-الحدیثه)، ج ۵، ص ۶۹؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۱۲۴.

۵. دیلمی، المراسم، ص ۶۲؛ طوسی، النهایه، ص ۵۹؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۵۴.

۶. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۸.

۷. عاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۴۶.

۸. طوسی، تهذیب الأحکام، المشیخه، ص ۷۵.

این عبدون از مشایخ نجاشی است^۱ و از کلمات نجاشی در موارد متعدد استفاده می‌شود که ایشان از افراد ضعیف، مطلبی نقل نمی‌کند. لذا وثاقت مشایخ نجاشی به این سبب، قابل اثبات است.^۲ علاوه بر اینکه ابن عبدون از مشایخ شیخ طوسی نیز می‌باشد^۳ و در مواردی شیخ برای او طلب رحمت کرده است.^۴ روایت بخاطر وجود حمید بن زیاد و حسن بن محمد بن سماعه و عبدالله بن جبلة که واقفی ثقة‌اند، از روایات موثق خواهد بود. طبق روایت، امام صادق علیه السلام خواندن نماز عصر را در زمانی که سایه شاخص به مقدار دو قدم بعد از زوال اضافه شود، محبوب‌تر می‌داند.

۲. روایات چهار قدم: مانند صحیحہ فضلا:

محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن الفضیل بن یسار و زرارة بن أعین و بکیر بن أعین و محمد بن مسلم و برید بن معاویة العجلی عن أبي جعفر و أبي عبدالله علیهما السلام أنهما قالَا: «وَقْتُ الظُّهْرِ بَعْدَ الزَّوَالِ قَدَمَانِ وَ وَقْتُ العَصْرِ بَعْدَ ذَلِكَ قَدَمَانِ».^۵ در این روایت امام باقر و امام صادق علیهما السلام وقت فضیلت نماز عصر را زیاد شدن سایه شاخص، بعد از زوال، به مقدار چهار قدم بیان فرمودند.^۶

۳. روایات یک قامت: مانند موثقه محمد بن حکیم:

عنه عن عیسی عن حماد عن محمد بن حکیم قال: «سَمِعْتُ العَبْدَ الصَّالِحَ علیه السلام وَ هُوَ یَقُولُ إِنَّ أَوَّلَ وَقْتِ الظُّهْرِ زَوَالُ الشَّمْسِ وَ آخِرَ وَقْتِهَا قَامَةٌ مِنَ الزَّوَالِ وَ أَوَّلَ وَقْتِ العَصْرِ قَامَةٌ وَ آخِرَ وَقْتِهَا قَامَتَانِ قُلْتُ فِي السَّئَاءِ وَ الصَّيْفِ سَوَاءٌ قَالَ نَعَمْ».^۷ در سند روایت محمد بن حکیم وجود دارد. وی توثیق خاص ندارد؛ لکن با توجه به شهادت شیخ طوسی به اینکه عده‌ای از روات مانند صفوان بن یحیی بجلی، محمد بن ابی

۱. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۷.

۲. خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۵۱.

۳. طوسی، رجال الطوسی، ص ۴۱۳.

۴. همو، فهرست الطوسی، ص ۲۹۷.

۵. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۴۰.

۶. محقق خویی نیز همین معنا را از روایت برداشت نموده است. ن.ک: خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۱، ص ۱۴۸.

۷. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۴۸.

عمیر و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنی جز از ثقه روایت نمی‌کنند^۱، می‌توان وثاقت ابن حکیم را اثبات نمود؛ چه آنکه صفوان و ابن ابی عمیر و بزنی همگی از محمد بن حکیم روایت نقل کرده‌اند.^۲ همچنین روایت اجلائی مثل یونس بن عبدالرحمن^۳ از محمد بن حکیم دلیل دیگری بر وثاقت او می‌باشد.^۴

در این روایت وقت فضیلت نماز عصر هنگام زیاد شدن سایه شاخص به مقدار یک قامت بیان شده است.

تعارض روایات بیان‌گر وقت فضیلت عصر

روایات در بیان ابتدای وقت فضیلت نماز عصر به ظاهر متعارض می‌باشند؛ زیرا روایات، در مقام تحدید وقت فضیلت هستند و هر دسته علاوه بر اثبات وقت فضیلت، سایر اوقات را نفی می‌کند و با توجه به اینکه از ظاهر روایات و کلمات فقها تنها یک وقت فضیلت برای نمازهای یومیه استفاده می‌شود، پس تعارض روایات اوقات فضیلت ثابت خواهد بود.

قبل از بیان راه‌حل‌های رفع تعارض روایات، اشاره به دو نکته اهمیت دارد:

نکته اول: از ظاهر برخی روایات، نفی مطلوبیت خواندن نماز مستحبی در زمان دخول

وقت نماز واجب، استفاده می‌شود. این امر حاکی از اهتمام شارع مقدس به خواندن نماز واجب در اول وقت آن است. مثلاً در موثقه ابی بکر حضرمی - که اجلائی چون یونس بن عبدالرحمن^۵ و محمد بن ابن ابی عمیر^۶ و عبدالله بن مسکان^۷ از او نقل روایت کرده‌اند - حضرت با تعبیر «إِذَا دَخَلَ وَقْتُ صَلَاةٍ مَفْرُوضَةٍ فَلَا تَطَوُّعَ» نماز مستحبی را منتفی دانسته‌اند.^۸ نکته دوم: خواندن نوافل یومیه در دین مقدس اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است؛

ما اجبنا
پرده‌های منی

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در آغاز وقت

۱. طوسی، العدة، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. به ترتیب: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۵۲۲؛ همان، ج ۱، ص ۵۶؛ همان، ص ۱۰۵.

۳. همان، ص ۱۰۶.

۴. زنجانی، کتاب نکاح، ج ۲، ص ۷۷۹۰.

۵. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳.

۶. همان، ص ۵۴۴.

۷. همان، ج ۳، ص ۴۰۸.

۸. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۱۶۷.

روایات فراوان و تأکیدات اولیای دین در انجام آن، گویای این مطلب است. در صحیحۀ محمد بن مسلم، سبب تشریح نوافل، وجود نقصان در نماز واجب در اثر حواس پرتی، و راهی برای جبران این نقیصه بیان گردیده است.^۱

وقتی دو نکته اهمیت نوافل یومیه و لزوم اجتناب از اقامۀ نماز مستحبی هنگام دخول وقت نماز واجب به این مطلب ضمیمه شود که وقت نافله ظهر و عصر، هم زمان با دخول وقت نماز واجب شروع می‌شود، آشکار خواهد شد که اگر در روایات، اوقات مختلفی برای وقت فضیلت نماز ظهر و عصر بیان شده است، به این هدف است که شبهه حرمت یا کراهت خواندن نماز مستحبی در هنگام دخول وقت نماز واجب در خصوص نافله ظهر و عصر بر طرف شود و در نتیجه حرمت یا کراهت مستفاد از روایات، به غیر نوافل یومیه اختصاص پیدا خواهد کرد. در برخی از روایات به این مطلب تصریح شده است. مثلاً در روایتی، امام باقر علیه السلام به اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی فرمودند: آیا از علت تأخیر وقت فضیلت نماز ظهر و عصر بعد از زوال اطلاع داری؟ عرض کرد: خیر. امام فرمودند: تا در وقت نماز واجب نافله خوانده نشود.^۲

بنابراین بیان اوقات مختلف برای وقت فضیلت نماز ظهر یا عصر به جهت بیان فرصت و زمانی خاص برای خواندن نوافل است تا در وقت نماز واجب، نماز مستحبی خوانده نشود. اما همچنان تعارض روایات در بیان ابتدای وقت فضیلت نماز عصر باقی است و این سؤال مطرح است که آیا زمان خواندن نوافل و دخول وقت فضیلت بعد از زوال، زیاد شدن سایه شاخص به مقدار دو یا چهار یا هفت قدم (یک قامت) است؟

راهکارهای رفع تعارض روایات

حمل و جمع تبرعی و بدون معیار مردود است. از این رو جمع عرفی یا وجود شاهد جمع، تنها راه برای رفع تعارض روایات است.

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۲۲۹.

راهکار نخست: حمل بر مراتب فضیلت

برخی از فقها به استناد جمع عرفی، روایات متعارض اوقات نمازها را بر بیان مراتب فضیلت حمل کرده‌اند: خواندن نماز عصر از زوال تا رسیدن سایه شاخص به مقدار هفت قدم مطلوب و بهتر از آن تا رسیدن سایه به اندازه چهار قدم و از همه بهتر تا رسیدن سایه به مقدار دو قدم است.^۱ اما با توجه به اینکه روایات در مقام تحدید اوقات فضیلت هستند و هر دسته از روایات ضمن اثبات وقت فضیلت، اوقات دیگر را نفی می‌کند، حمل روایات بر مراتب فضیلت صحیح نخواهد بود. به عبارت دیگر، مقام تحدید با حمل روایات بر مراتب فضیلت منافات دارد و لذا چنین جمعی تعارض روایات را برطرف نخواهد کرد.

راهکار دوم: حمل بر زمان پایان اقامه نوافل

مجموعه‌ای از روایات مستفیض^۲ بلکه متواتر^۳، ملاک دخول وقت فضیلت نماز عصر را اتمام نوافل بیان می‌کنند، خواه قبل از رسیدن به مقادیری مثل قدم و ذراع باشد، یا بعد از گذشت آن. در بسیاری از این روایات تصریح شده که مکلف در طولانی یا مختصر خواندن نوافل مختار است. این روایات به عنوان شاهد جمع، موضوعیت داشتن اوقات مختلفی که برای بیان دخول وقت فضیلت بیان شده را منتفی دانسته و صلاحیت برطرف کردن تعارض روایات را دارند؛ بلکه نص این روایات مقدم بر ظاهر روایاتی است که زمان مشخصی برای شروع وقت فضیلت نماز بیان می‌کنند. بر این اساس، جمع بین نمازها در اول وقت، سبب خروج از وقت فضیلت نماز عصر نیست. ذیلاً نمونه‌هایی از این روایات مرور و تقریر می‌شود:

در صحیحہ اشعری آمده است:

بإسناد عن سعد بن عبد الله عن محمد بن أحمد بن يحيى قال: «كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام رُوِيَ عَنْ أَبِيكَ الْقَدَمَ وَالْقَدَمَيْنِ وَالْأَرْبَعَ وَالْقَامَةَ وَالْقَامَتَيْنِ وَظِلَّ مِثْلِكَ وَالذَّرَاعَ وَالذَّرَاعَيْنِ فَكَتَبَ عليه السلام لَا الْقَدَمَ وَلَا الْقَدَمَيْنِ إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ

۱. حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، ص ۵۷.

۲. چنان که محقق حکیم ادعا نموده است. ن. ک: همان، ص ۱۰۳.

۳. بیش از پانزده روایت در این باب با اسانید مختلف نقل شده است. ر. ک: عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، صص ۱۳۱-۱۳۵.

وَقْتُ الصَّلَاةِ وَبَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ وَهِيَ ثَمَانُ رَكَعَاتٍ فَإِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ
ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ فَإِذَا فَرَغْتَ كَانَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ سُبْحَةٌ وَهِيَ ثَمَانِي رَكَعَاتٍ إِنْ شِئْتَ
طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ»^۱.

با توجه به پیش زمینه ذهنی سائل از تفریق بین نمازها برای درک وقت فضیلت و با عنایت به اختلاف روایات در بیان اوقات فضیلت نمازها، نگارنده نامه از اختلاف روایات واصله سخن می گوید و در این میان از حکم واقعی پرسش می کند. امام رضا علیه السلام در پاسخ، به صراحت موضوعیت داشتن تحدیدات را رد نموده و ملاک را فراغ از خواندن نوافل بیان می دارد تا آنجا که می فرماید: طولانی یا مختصر خواندن نوافل در اختیار مکلف است. بدین روی برای درک وقت فضیلت نمازها تفریق لازم نیست، بلکه بعد از خواندن نماز ظهر و نوافل، وقت فضیلت نماز عصر نیز شروع می شود.

نیز در صحیحۀ ذریح محاربی گزارش شده است:

عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن ذريح المحاربي قال: «قُلْتُ لِأَبِي
عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى أَصَلِّي الظُّهْرَ فَقَالَ صَلَّى الزَّوَالَ ثَمَانِيَةً ثُمَّ صَلَّى الظُّهْرَ ثُمَّ صَلَّى سُبْحَتَكَ
طَالَتْ أَوْ قَصُرَتْ ثُمَّ صَلَّى الْعَصْرَ»^۲.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به زمان اقامه نماز ظهر می فرماید: هنگام زوال خورشید هشت رکعت نافله بخوان، بعد نماز ظهر را اقامه کن، سپس نوافل و نماز عصر را بخوان. با توجه به اینکه ابتدای دخول وقت نماز ظهر در هنگام زوال از واضحات و مسلمات شریعت است، ظاهر سؤال راوی از وقت نماز ظهر، پرسش از وقت فضیلت است و امام نیز ملاک اصلی دخول وقت فضیلت را خواندن نوافل بیان کردند که در ضمن این کلام نیز موضوعیت تحدیدات در روایات دیگر، نفی خواهد شد. بنابراین جمع بین نمازها در اول وقت، خروج از وقت فضیلت نماز دوم نیست. علاوه بر اینکه به قرینه سؤال راوی، جواب امام ظهور در مطلوبیت استمرار این عمل دارد.

دیگر شاهد جمع، صحیحۀ حارث، عمر و منصور است:

۱. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۴.

۲. همان، ص ۱۳۲.

محمد بن یعقوب عن الحسین بن محمد عن عبدالله بن عامر عن علی بن مهزیار عن فضالة بن ایوب عن الحسین بن عثمان عن ابن مسکان عن الحارث بن المغيرة و عمر بن حنظلة و منصور بن حازم جميعاً قالوا «كُنَّا نَقِيسُ الشَّمْسَ بِالْمَدِينَةِ بِالذَّرَاعِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ أَلَا أُتْبِكُمْ بِأَيِّنٍ مِنْ هَذَا إِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنْ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ وَ ذَلِكَ إِلَيْكَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ»^۱.

حسب روایت، گروهی از شیعیان در شهر مدینه برای تشخیص وقت فضیلت مشغول بررسی سایه شاخص بودند. امام صادق علیه السلام به آنها فرمودند: بهتر از بررسی سایه شاخص این است که بدانید وقت فضیلت نماز ظهر هنگامی آغاز می شود که خواندن نافله نماز ظهر به پایان رسد. ظاهر گزارش حاکی از آن است که اصحاب ائمه علیهم السلام از تحدیدات روایات اوقات فضیلت، موضوعیت را برداشت کردند؛ لذا برای اقامه نماز در وقت فضیلت درصدد تشخیص سایه شاخص به مقدار تعیین شده در روایات بودند. امام این نکته را به آنها تذکر دادند که مقادیر وارده در روایات خصوصیت ندارد و ملاک اصلی، اتیان نوافل است. هنگامی که خواندن نوافل به پایان رسد، وقت فضیلت نماز واجب شروع می شود و نیازی به تأخیر نماز تا رسیدن سایه شاخص به مقدار معین نیست.

ما اجتمعنا

پردهای غشی

هر چند مورد روایت نماز ظهر است، ولی با توجه به صراحت کلام امام در نفی تحدیدات و موضوعیت اتیان نوافل برای دخول وقت فضیلت، جمع بین نمازها در اول وقت همراه با خواندن نوافل سبب وقوع نماز ظهر و عصر در وقت فضیلت خواهد بود و نیازی به تفریق نمازها برای درک وقت فضیلت نیست.

اشکال نخست: اختصاص فضیلت به صورت اتیان نوافل

شبهه ای که در این جمع رخ می دهد، اختصاص فضیلت به صورت اتیان نوافل است؛ زیرا از ظاهر روایات تنها فضیلت جمع بین نمازها در فرض خواندن نافله قابل اثبات است. پس در صورت ترک نوافل، جمع بین نمازها سبب خروج نماز عصر از وقت فضیلت است. در پاسخ باید گفت: مطلوبیت تأخیر نماز واجب از اول وقت، خواندن نوافل بیان شده

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشائین در آغاز وقت

۱. همان، ص ۱۳۱.

است و به همین جهت در موارد سقوط نافله، تأخیر نماز واجب از اول وقت مطلوب نیست؛ در صحیحہ اسماعیل بن عبدالخالق به این مطلب تصریح شده که در موارد سقوط نوافل، خواندن نماز واجب در ابتدای دخول وقت بهتر است. متن روایت از این قرار است:

بإسناده عن الحسين بن سعيد عن فضالة عن حسين بن عثمان عن عبد الله بن مسكان عن إسماعيل بن عبدالخالق قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فَقَالَ بَعْدَ الزَّوَالِ بِقَدَمٍ أَوْ نَحْوِ ذَلِكَ إِلَّا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَوْ فِي السَّفَرِ فَإِنَّ وَقْتَهَا حِينَ تَزُولُ»^۱.

بنابراین تأخیر نماز واجب از اول وقت، تنها به جهت مزاحمت با مستحب مهم تر است و لذا در موارد سقوط یا ترک مستحب مهم تر (نافله)، وقت فضیلت نماز از ابتدای وقت آغاز می شود و خواندن نماز عصر بلافاصله پس از نماز ظهر در فرض ترک نوافل، سبب خروج از وقت فضیلت نخواهد بود. شاید علت بازگو نشدن این فرض در روایات، اهمیت ویژه نوافل باشد.^۲ به نظر می رسد فقهای مثل سید یزدی، محقق نائینی و محقق خوبی که نفی استحباب نماز اول وقت را به فرض اتیان نافله اختصاص داده اند، تأخیر نماز واجب از اول وقت را به جهت مزاحمت با مستحب مهم تر می دانند.^۳

حاصل آنکه طبق روایات فراوان، وقت فضیلت نماز عصر از هنگام زوال و بعد از خواندن نماز ظهر است و تنها علت تأخیر نماز واجب از ابتدای زوال، استحباب مؤکد خواندن نوافل است. لذا دخول وقت فضیلت نماز عصر زمان خاصی ندارد و بعد از خواندن نماز ظهر آغاز می شود.

اشکال دوم: مخالفت با شهرت

به مشهور فقها نسبت داده شده که دخول وقت فضیلت نماز عصر از هنگام زیاد شدن سایه شاخص به مقدار هفت قدم است.^۴ ولی این انتساب نادرست است؛ چرا که با مراجعه به کلمات فقها، انتساب این قول به مشهور، خصوصاً قدمای فقهای امامیه خالی از اشکال

۱. همان، ص ۱۴۴.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ج ۷، صص ۷۸ و ۷۹.

۳. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۲۵؛ نائینی، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۷۲؛ خوبی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۱، ص ۲۹۷.

۴. عاملی، مفتاح الکرامه، ج ۵، ص ۶۹؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۱۲۴.

نیست؛ زیرا از ظاهر کلام سلار، شیخ طوسی و محقق حلی خلاف آنچه به مشهور فقها نسبت داده شده، استفاده می‌شود.^۱ نیز شیخ انصاری، سید یزدی، محقق بروجردی، محقق خوبی^۲ و برخی دیگر از فقها^۳ قائل به دخول وقت فضیلت نماز عصر از ابتدای زوال خورشید و بعد از خواندن نماز ظهر و نوافل شده‌اند.

اشکال سوم: تنافی با کیفیت نماز مستحاضه و مسلوس

طبق روایات، زن مستحاضه و شخص مسلوس موظف شده‌اند که نماز ظهر و مغرب را تا آخر وقت فضیلت به تأخیر انداخته و همراه با نماز عصر و عشا در ابتدای وقت فضیلت بخوانند؛ در حالی که اگر جمع بین نمازها در اول وقت فضیلت داشت، وجهی برای تأخیر نماز ظهر و مغرب تا ابتدای وقت فضیلت نماز عصر و عشا وجود ندارد. به بیان دیگر امر به تأخیر نماز مستحاضه و مسلوس دلالت بر نفی فضیلت خواندن هر دو نماز در اول وقت دارد.^۴

در صحیحہ معاویة بن عمار دستور به تأخیر نماز مستحاضه داده شده است:

محمد بن یعقوب عن محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن حماد بن عيسى و ابن أبي عمير عن معاوية بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «الْمُسْتَحَاضَةُ تَنْظُرُ أَيَّامَهَا فَلَا تُصَلِّي فِيهَا وَلَا يَقْرُبُهَا بَعْلُهَا فَإِذَا جَازَتْ أَيَّامَهَا وَرَأَتْ الدَّمَ يَتَّقِبُ الْكُرْسُفَ اغْتَسَلَتْ لِلظُّهْرِ وَ الْعَصْرِ تُؤَخِّرُ هَذِهِ وَ تُعَجِّلُ هَذِهِ وَ لِلْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ غُسْلًا تُؤَخِّرُ هَذِهِ وَ تُعَجِّلُ هَذِهِ».^۵

محمد بن اسماعیل بندقی نيسابوری استاد کلینی است که بیش از هفتصد روایت از او نقل کرده است. لذا وثاقت ایشان به این سبب قابل اثبات است. طبق روایت، زن مستحاضه مأمور شده که به مقدار ایام عادت نماز را ترک کند و بعد از گذشت ایام عادت اگر خونریزی او ادامه داشت و به مقداری بود که خون از پنبه عبور می‌کرد، باید برای نماز

ما اجتناب
پرونده‌های قضی

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشاغین در آغاز وقت

۱. دیلمی، المراسم، ص ۶۲؛ طوسی، النهایة، ص ۵۹؛ حلی، شرائع الإسلام، ج ۱، ص ۵۴.
 ۲. به ترتیب: انصاری، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۶۹؛ یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۸؛ بروجردی، تبیان الصلاة، ج ۳، ص ۹۳؛ خوبی، موسوعة الإمام الخوئي، ج ۱۱، ص ۱۵۶.
 ۳. مانند: تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۳۷؛ لنکرانی، الأحكام الواضحة، ص ۱۱۵؛ خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۴۸؛ فیاض، تعالیق مبسوطة علی العروة الوثقی، ج ۳، ص ۱۷.
 ۴. انصاری، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۶۷.
 ۵. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۷۱.

ظهر و عصر یک غسل کند و نماز ظهر را با تأخیر و همراه نماز عصر بخواند و به همین کیفیت نیز نماز مغرب و عشا را بخواند.

نیز در صحیحہ حریز، امام به مسلسل دستور تأخیر داده‌اند:

روی حریز عن ابي عبدالله عليه السلام انه قال: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَقْطُرُ مِنْهُ الْبَوْلُ وَالدَّمُ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ اتَّخَذَ كَيْسًا وَجَعَلَ فِيهِ قُطْنًا ثُمَّ عَلَّقَهُ عَلَيْهِ وَادْخَلَ ذِكْرَهُ فِيهِ ثُمَّ صَلَّى يَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ يُؤَخِّرُ الظُّهْرَ وَيُعَجِّلُ الْعَصْرَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ وَيُؤَخِّرُ الْمَغْرِبَ وَيُعَجِّلُ الْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَإِقَامَتَيْنِ»^۱.

سند شیخ صدوق تا حریز مشتمل بر «علی بن حسین بن بابویه از عبدالله بن جعفر حمیری از محمد بن عیسی بن عیید از حماد بن عیسی از حریز بن عبدالله» است^۲ و تمامی افراد مذکور از ثقات روات هستند.^۳ در این روایت حضرت درباره نماز شخص بیماری که مداوم ادرار و خون از او خارج می‌شود دستور می‌دهد که نماز ظهر را با تأخیر و همراه نماز عصر، با یک اذان و دو اقامه بخواند و به همین صورت نماز مغرب و عشا را نیز اقامه کند. این اشکال را می‌توان با دلایلی پاسخ گفت:

پاسخ نخست: در مقابل این روایات، روایات دیگری وجود دارد که بر مطلوبیت غسل هنگام دخول وقت نماز ظهر و مغرب و جمع بین نمازها در اول وقت دلالت دارند. در صحیحہ عبدالله بن سنان آمده است:

عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن عبدالله بن المغيرة عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال: «الْمُسْتَحَاضَةُ تَغْتَسِلُ عِنْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ وَتُصَلِّي الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ ثُمَّ تَغْتَسِلُ عِنْدَ الْمَغْرِبِ فَتُصَلِّي الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ»^۴.

با دو سند معتبر دیگر نیز همانند این روایت نقل شده است.^۵ طبق روایت، امام وظیفه مستحاضه را غسل هنگام زوال بیان می‌کند و هنگام مغرب را زمان غسل نماز مغرب و عشا

۱. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵.

۳. نجاشی، رجال النجاشی، ص ۲۱۹؛ طوسی، فهرست الطوسی، ص ۴۰۲؛ کشی، رجال الکشی، ص ۳۷۵.

۴. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۷۲.

۵. همان.

بیان می‌دارد. باید توجه داشت که عبارت «عند صلاة الظهر» ظهور در ابتدای دخول وقت نماز ظهر، یعنی زوال دارد.^۱ عرفاً نیز تفاوتی میان مستحاضه و مسلوس وجود ندارد؛ زیرا هر دو مبتلا به مشکلی هستند که نمی‌توانند با لباس پاک نماز بخوانند.

ممکن است گفته شود: عبارت «تَغْتَسِلُ عِنْدَ صَلَاةِ الظُّهْرِ» اطلاق دارد و به سبب روایاتی که بر مطلوبیت تأخیر خواندن نماز ظهر تا انتهای وقت فضیلت، و جمع آن با نماز عصر در ابتدای وقت فضیلت دلالت دارند، مقید می‌شود. لکن در پاسخ گفته می‌شود: اولاً: عبارت روایت ظهور در ابتدای وقت نماز ظهر (زوال) دارد و اطلاق آن صحیح نیست.^۲ ثانیاً: با وجود فضیلت خواندن نماز ظهر و عصر در اول وقت، وجهی برای تقیید روایات وجود ندارد؛ بلکه خواندن نمازها در اول وقت یا در انتها و ابتدای وقت فضیلت، مطلوب خواهد بود. ثالثاً: هر دو دسته از روایات مثبت هستند و صلاحیت تقیید ندارند.

پاسخ دوم: به جهت متعارف بودن تفریق بین نمازها در زمان ائمه علیهم‌السلام، احتمال تقیه در این روایات بسیار زیاد است.^۳ خصوصاً بیان احکام واقعی و خلاف تقیه برای جامعه بانوان که در حفظ اسرار و مدیریت گفتار مبتلا به کاستی‌هایی هستند، احتمال تقیه را دو چندان می‌کند.

پاسخ سوم: شاید امر به تأخیر نمازها در مورد مستحاضه و مسلوس، به سبب احتمال قطع خون یا بول تا آخر وقت فضیلت باشد.^۴

حاصل آنکه روایات بر فضیلت نماز عصر از آغازین زمان زوال، پس از اقامه نماز ظهر و نوافل دلالت دارد؛ بلکه برای تارک نوافل، به مجرد زوال و اقامه نماز ظهر، وقت فضیلت فرارسیده است.

فضیلت اقامه عشاءین در اول وقت

فضیلت جمع بین نمازهای مغرب و عشا در اول وقت مرهون اثبات این نظریه است که وقت فضیلت نماز عشا در همان اول وقت و بعد از خواندن نماز مغرب و نوافل آغاز می‌شود. از این رو بررسی روایات مرتبط با دخول وقت فضیلت نماز عشا ضروری است.

۱. انصاری، کتاب الطهارة، ج ۴، ص ۷۲.

۲. همان.

۳. حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۵، ص ۶۳.

۴. انصاری، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۶۸.

روایات مربوط به وقت نماز عشا به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. روایاتی که ابتدای وقت نماز عشا را هنگام غروب خورشید و بعد از خواندن نماز مغرب بیان می‌کنند. صحیحۀ عبید بن زراره این مفهوم را گزارش نموده است:

عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن الحسين بن سعيد عن القاسم بن عروة عن عبید بن زرارۃ عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةَيْنِ إِلَّا أَنْ هَذِهِ قَبْلَ هَذِهِ»^۱.

هرچند برای قاسم بن عروه توثیق خاصی در کتب رجالی ذکر نشده است، ولی روایت اجلائی مثل محمد بن ابی عمیر^۲ و احمد بن محمد بن زنی^۳ و حسین بن سعید اهوازی^۴ از وی، دلیل بر وثاقت است.

در این روایت امام صادق عليه السلام هنگام غروب خورشید را زمان دخول وقت دو نماز (مغرب و عشا) معرفی می‌کند، جز آنکه می‌فرماید باید نماز عشا بعد از نماز مغرب خوانده شود.

۲. روایاتی که وقت دخول نماز عشا را هنگام سقوط شفق بیان می‌کنند. در صحیحۀ حلبی آمده است:

محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عبد الله بن محمد الحجاج عن ثعلبة بن ميمون عن عمران بن علي الحلبي قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَتَى تَجِبُ الْعَتَمَةُ قَالَ إِذَا غَابَ الشَّفَقُ وَالشَّفَقُ الْحُمْرَةُ... الْحَدِيثُ»^۵.

در این روایت امام صادق عليه السلام زمان وجوب نماز عشا را هنگام سقوط حمرة مغربیه (شفق)، بیان کرده‌اند.

۳. روایاتی که به صراحت بر جواز خواندن نماز عشا قبل از سقوط شفق دلالت دارند: صحیحۀ اسحاق بن عمار چنین است:

و عن سعد عن محمد بن الحسين عن موسى بن عمر عن عبد الله بن المغيرة عن

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۷۰.

۳. طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۷.

۴. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۳۶.

۵. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۰۴.

إسحاق بن عمار قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَجْمُ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فِي الْحَضَرِ قَبْلَ أَنْ يَغِيْبَ الشَّفَقُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ قَالَ لَا بَأْسَ»^۱.

در این روایت، اسحاق بن عمار از امام صادق عليه السلام درباره خواندن نماز مغرب و عشا قبل از سقوط شفق در غیر سفر و بدون عذر پرسش می‌کند و امام آن را به صراحت جایز دانستند. فقها با عنایت به روایاتی که نص در جواز خواندن نماز عشا قبل از سقوط شفق بودند، روایات سقوط شفق را حمل بر وقت فضیلت نماز عشا کرده‌اند.^۲ به اجماع فقها وقت فضیلت نماز مغرب هنگام غروب آغاز و با از بین رفتن حمرة مغربیه پایان می‌یابد^۳ و بنا بر نظر مشهور و معروف امامیه^۴، بعد از زوال حمرة مغربیه وقت فضیلت نماز عشا شروع می‌شود. ولی این احتمال نیز وجود دارد که وقت فضیلت نماز عشا بعد از اقامه نوافل نماز مغرب آغاز شود و برای درک وقت فضیلت نیازی به فرا رسیدن زمان سقوط شفق نباشد.

شواهد شروع وقت فضیلت نماز عشا بعد از اقامه نوافل مغرب

از روایاتی که دخول وقت فضیلت را مترتب بر خواندن نوافل بیان کرده‌اند، به دست می‌آید که اتیان نوافل تنها علت تأخیر وقت فضیلت نمازهای واجب از اول وقت است. در تعیین وقت فضیلت نماز ظهر و عصر به روایاتی اشاره شد که شروع وقت فضیلت را منوط به پایان نوافل بیان، و تعیین زمانی خاص را برای ابتدای وقت فضیلت نفی کردند. بعید نیست همین نکته در شروع وقت فضیلت نماز عشا نیز جاری باشد. یعنی همچنان که بعد از خواندن نوافل ظهر و عصر، وقت فضیلت نماز ظهر و عصر آغاز می‌شود، بعد از خواندن نوافل مغرب و احیاناً نمازهای سفارش شده در این زمان، وقت فضیلت نماز عشا نیز شروع می‌شود؛ زیرا در برخی روایات علت اصلی تأخیر نماز از اول وقت و آغاز وقت فضیلت، خواندن نوافل بیان شد. به بیان دیگر، تنها علت فضیلت تأخیر نماز از اول وقت - هر نمازی

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشاغین در آغاز وقت

۱. همان.

۲. انصاری، کتاب الصلاة، ج ۱، ص ۹۶؛ همدانی، مصباح الفقیه، ج ۹، ص ۱۲۵؛ خویی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۱، ص ۱۲۲.

۳. عاملی، مفتاح الكرامة، ج ۵، صص ۷۷ و ۸۵.

۴. همان، ص ۱۳۸.

که باشد- خواندن نوافل روزانه است و به همین جهت در موارد سقوط نافله (مثل نافله نمازهای چهار رکعتی در سفر)، تأخیر از اول وقت مطلوب نیست. در صحیحۀ محمد بن مسلم، با کاربرد تعبیر «إِنَّمَا» در عبارت «وَإِنَّمَا أُخِّرَتِ الظُّهْرُ ذِرَاعاً مِنْ عِنْدِ الزَّوَالِ مِنْ أَجْلِ صَلَاةِ الْاَوَّابِينَ» تنها علت تأخیر نماز ظهر از اول وقت زوال، فضیلت خواندن نوافل بیان شده است.^۱ استفاده از ادات حصر در بیان وجه تأخیر وقت فضیلت از اول وقت، ظهور کلام را در علیت، تقویت می‌کند و سبب تعمیم آن نسبت به سایر نوافل، یا دست‌کم نوافلی خواهد شد که از اهمیت بیشتری برخوردارند.

نافله مغرب که با فضیلت‌تر از نوافل ظهر و عصر است^۲، تنها علت تأخیر وقت فضیلت نماز عشا از اول وقت خواهد بود و در صورتی که نوافل مغرب، قبل از سقوط حمرة مغربیه (شفق) به پایان رسد، وقت فضیلت نماز عشا شروع خواهد شد.

صحیحۀ فضلا با تعبیر «دَخَلَ وَقْتُ الظُّهْرِ إِلَّا أَنْ بَيْنَ يَدَيْهَا سُبْحَةٌ» تنها علت تأخیر نماز واجب را از اول وقت، وجود نافله بیان می‌دارد.^۳ بنابراین بعید نیست تأخیر وقت فضیلت نماز عشا نیز به سبب وجود نافله مغرب باشد و بعد از خواندن نوافل، وقت فضیلت نماز عشا شروع شود. نیز در صحیحۀ اسماعیل بن عبد‌الخالق که مربوط به موارد سقوط نافله است، امام با عبارت «فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ أَوْ فِي السَّفَرِ فَإِنَّ وَقْتَهَا حِينَ تَزُولُ» ابتدای وقت فضیلت نماز ظهر را زوال خورشید بیان نموده است.^۴ از ظاهر استثنای وقت فضیلت نماز ظهر در روز جمعه و هنگام سفر که نافله در این دو مورد ساقط است، انحصار علیت اتیان نوافل در تأخیر نماز از اول وقت استفاده می‌شود. نیز در صحیحۀ اشعری، امام رضا علیه السلام یا امام هادی علیه السلام تحدیدات را فاقد موضوعیت دانسته و ملاک دخول وقت فضیلت را اتمام نوافل بیان می‌کند، خواه زمان خواندن نوافل طولانی شود یا کوتاه باشد.^۵ از ظاهر کلام امام

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲. بیش از چهارده روایت با اسانید متعدد در فضیلت نوافل مغرب نقل شده است. ر.ک: عاملی، وسائل

الشیعة، ج ۴، ص ۸۶، باب ۲۴.

۳. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۳۱.

۴. همان، ص ۱۴۴.

۵. همان، ص ۱۳۴.

استفاده می‌شود که ابتدای وقت فضیلت نمازها زمان خاصی ندارد و خواندن نافله سبب دخول وقت فضیلت نماز بعدی است.

حاصل آنکه از تعلیل‌های موجود در روایات این نکته استفاده می‌شود که شروع وقت فضیلت نمازها زمان معینی ندارد و منوط به خواندن نوافل است و نمازهای ظهر و عصر نیز در این زمینه خصوصیتی ندارند. شاید علت بازگو نشدن این تعلیل در روایات نماز مغرب و عشا، نزدیکی وقت فضیلت نماز عشا به زمان دخول وقت فضیلت نماز مغرب و کوتاهی این زمان باشد که معمولاً با فراهم کردن مقدمات نماز مغرب و خواندن آن و اشتغال به تعقیبات و نوافل و احیاناً نمازهای سفارش شده، به پایان رسیده و وقت فضیلت نماز عشا آغاز می‌شود. لذا وجهی برای بیان این علت در روایات اوقات نماز مغرب و عشا وجود ندارد. شاهد این سخن فرمایش کلینی است که می‌نویسد: نشانه استتار کامل خورشید رسیدن حمره به سمت قبله (ذهاب حمرة مشرقیه) است و فاصله زمانی میان رسیدن حمره به سمت قبله (زوال حمرة مشرقیه) و ناپدید شدن حمره در سمت مغرب (زوال حمرة مغربیه) به مقداری است که انسان می‌تواند نماز مغرب و نوافل آن را با آرامش بخواند، من بارها آن را تجربه کردم.^۱ فاضل هندی نیز محدودیت وقت فضیلت نماز مغرب را نقل می‌کند.^۲

مباحث پرومبائی قضی

همچنین محتمل است شدت تقیه در خصوص وقت نماز عشا سبب ترک ذکر این تعلیل (خواندن نوافل علت دخول وقت فضیلت نماز بعدی) در روایات مربوط به نماز مغرب و عشا باشد؛ زیرا برخلاف وقت فضیلت نماز عصر که تشخیص آن برای همگان آسان نیست^۳، تاریکی شب ملاک دخول وقت فضیلت نماز عشا است و ایام مختلف سال چندان دخالتی در تشخیص آن ندارد. لذا خواندن نماز عشا قبل از سقوط شفق، سبب جلب توجه بیشتر عامه است و از این رو تقیه در مورد آن شدیدتر است.

ظاهر عبارت کتاب فقه الرضا^{علیه السلام} - با حرف و حدیث‌هایی که درباره آن مطرح است^۴ -

۱. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۸۰.

۲. اصفهانی، کشف اللثام، ج ۳، ص ۴۶.

۳. تشخیص زیاد شدن سایه شاخص به مقدار دو قدم یا چهار قدم یا هفت قدم که معیار در وقت فضیلت نماز عصر بیان شده است از فهم و حوصله عموم مردم خارج است.

۴. در اینکه کتاب فقه الرضا^{علیه السلام} کتاب روایی باشد و بر فرض روایی بودن اعتبار داشته باشد، اختلاف نظر

نیز مؤید سببیت خواندن نوافل، برای تأخیر وقت فضیلت از اول وقت است:

«إِنَّمَا يَمْتَدُّ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ بِالنَّوَافِلِ فَلَوْلَا النَّوَافِلُ وَ عِلَّةُ الْمَعْلُولِ لَمْ يَكُنْ أَوْقَاتُ الصَّلَاةِ مَمْدُودَةً عَلَى قَدْرِ أَوْقَاتِهَا فَلِذَلِكَ تُؤَخَّرُ الظُّهْرُ إِنْ أَحْبَبْتَ وَ تُعَجَّلُ الْعَصْرُ إِذَا لَمْ يَكُنْ هُنَاكَ نَوَافِلٌ وَ لَا عِلَّةٌ تَمْنَعُكَ أَنْ تُصَلِّيَهُمَا فِي أَوَّلِ وَقْتِهِمَا وَ تَجْمَعُ بَيْنَهُمَا فِي السَّفَرِ إِذْ لَا نَافِلَةَ تَمْنَعُكَ مِنَ الْجَمْعِ»^۱.

طبق روایت علت توسعه وقت نمازها وجود نوافل است، به گونه‌ای که در موارد سقوط نافله، خواندن هر دو نماز در ابتدای وقتشان بهتر است. به کارگیری حرف «فاء» در تفریع حکم، مثال بودن نوافل ظهر و عصر را تأیید می‌کند. بنابراین علت تأخیر وقت فضیلت نماز عشا، وجود نافله مغرب است و با تمام شدن نافله، وقت فضیلت نماز عشا آغاز خواهد شد. عبارات موجود در کتب معتبر عامه، مؤید دیگر بر عدم انحصار وقت فضیلت نماز عشا هنگام سقوط شفق است. در نقل بخاری آمده است:

سألنا جابر بن عبدالله عن صلاة النبي ﷺ فقال: «إلى أن قالَ وَ الْمَغْرِبَ إِذَا وَجَبَتْ، وَ الْعِشَاءَ إِذَا كَثُرَ النَّاسُ عَجَلًا، وَ إِذَا قَلُّوا أَخَّرَ، وَ الصُّبْحَ يَغْلَسُ»^۲.

در این گزارش جابر بن عبدالله انصاری به بیان کیفیت نماز پیامبر خدا ﷺ پرداخته و می‌گوید: رسول خدا نماز مغرب را هنگام غروب خورشید می‌خواندند و اگر جمعیت مردم زیاد بود، نماز عشا را نیز بعد از آن بجا می‌آوردند و اگر جمعیت نمازگزار کم بود، نماز عشا را به تأخیر می‌انداختند. ظاهر حکایت جابر، بیان سیره و روش همیشگی آن حضرت است. در این نقل، زیادی جمعیت مردم سبب اقامه نماز عشا بلافاصله بعد از نماز مغرب بیان شده است و از آنجایی که ترک نماز عشا در وقت فضیلت به صرف زیادی جمعیت بعید به نظر می‌رسد، احتمال عدم انحصار وقت فضیلت نماز عشا هنگام سقوط شفق تقویت می‌شود. تأکید فراوان روایات بر خواندن نوافل مغرب و اهمیت عبادت در فاصله بین مغرب و عشا، احتمال تأخیر وقت فضیلت نماز عشا به جهت خواندن نوافل را افزایش می‌دهد. بیش

وجود دارد، بیشتر علما روایی بودن کتاب و اعتبار آن را نپذیرفته‌اند. ن.ک: خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی (الصلاة)، ج ۱، ص ۱۳۷؛ زنجانی، کتاب نکاح، ج ۷، ص ۲۱۶۷.
۱. منسوب به امام رضا علیه السلام، فقه الرضا علیه السلام، ص ۷۴.
۲. بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۶۴.

از چهارده روایت با اسانید متعدد در مورد فضیلت نافله مغرب و تأکید بر مداومت به آن وارد شده که حاکی از اهمیت این نافله در میان نوافل روزانه است.^۱ از جمله نمازهای معروف در این زمان، نماز غفیله است که رسول خدا در روایتی از ترک آن نهی کردند.^۲ نیز نمازی که رسول الله ﷺ هنگام وفاتشان به امیر المومنین علیه السلام تعلیم دادند و به نماز وصیت معروف است.^۳ در رکعت اول بعد از حمد سیزده بار سوره مبارکه زلزال و در رکعت دوم بعد از حمد پانزده مرتبه سوره مبارکه توحید قرائت می شود. جالب آنکه پیامبر ثواب این نماز را به صورت پلکانی بیان می دارد. بدین صورت که اگر هر سال بخواند از نیکوکاران به شمار می رود؛ اگر این نماز را هر ماه بخواند از پرهیزکاران محسوب می شود؛ اگر هر هفته بخواند از نمازگزاران خواهد بود؛ و اگر هر شب آن را بخواند در بهشت همراه من است و ثواب آن را تنها پروردگار عالم می داند. این شکل تأکید بر خواندن نماز حکایت از اهمیت و فضیلت آن دارد. همچنین نمازهای دیگری در این زمان سفارش شده است که به جهت اختصار از نقل آنها صرف نظر می شود.^۴

هرچند سند روایات به خاطر وجود افراد مجهول، از اعتبار کافی برخوردار نیست، ولی از مجموع آنها اهمیت عبادت در این زمان استفاده می شود. علاوه بر اینکه به استناد قاعده تسامح در ادله سنن، استحباب نمازها یا حداقل ثواب مترتب بر آنها قابل اثبات است. بنابراین احتمال تأخیر وقت فضیلت نماز عشا از اول وقت به سبب تأکید بر خواندن نوافل متعدد بین نماز مغرب و عشا تقویت می شود. این وقت، از زمانهایی است که غالب مردم به امور دنیوی مشغول و کمتر به عبادت خدا توجه دارند و به همین جهت بیشتر در معرض غفلت و فریب شیطان می باشند.^۵ لذا در روایات به عبادت و راز و نیاز با پروردگار عالم در این زمان سفارش شده است. در صحیح عاصم، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: در ساعت غفلت نماز بخوان حتی به صورت مختصر. سؤال کردند ساعت غفلت چه ساعتی است؟

۱. ر.ک: عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، صص ۸۶ تا ۹۰.

۲. حلی، فلاح السائل، ص ۲۴۶.

۳. یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۶؛ حلی، فلاح السائل، ص ۲۴۶.

۴. ن.ک: طوسی، مصباح المتعجد، ج ۱، ص ۱۰۸.

۵. شلوغی بازارها در این زمان شاهد بر مدعا است.

فرمودند: بین مغرب و عشا.^۱

با وجود روایات متعدد در فضیلت خواندن نوافل مغرب و برخی نمازهای دیگر، احتمال اینکه تأخیر وقت فضیلت نماز عشا به خاطر انجام عبادات خاص در این زمان باشد، تقویت می‌شود. خصوصاً که فضیلت خواندن نمازهای نافله در خانه، مدلول برخی روایات است و مشهور قدمای امامیه^۲ نیز قائل به استحباب آن شده‌اند. شاید همین موضوع یکی دیگر از علل تأخیر وقت فضیلت نماز دوم باشد تا فرصت کافی برای مؤمنین جهت خواندن نوافل در منزل و حضور مجدد در مسجد برای اقامه نماز دوم به جماعت باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتی به ابوذر فرمودند: خواندن نماز مستحب در خانه بهتر از خواندن نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی است، به شرط آنکه نماز برای رضای خدا و همراه با اخلاص باشد. ای ابوذر! برتری نماز نافله در خلوت بر نماز در اماکن عمومی، همانند برتری نماز واجب بر نماز مستحب است.^۳

علاوه بر اینکه خواندن تعقیبات مشترکه سفارش شده بعد از نمازها، مثل تسیحات حضرت زهرا علیها السلام^۴، قرائت برخی از سوره‌ها^۵، گفتن برخی اذکار^۶ و همچنین خواندن تعقیبات مختص به نماز مغرب^۷ و کیفیت خاصی که برای خواندن نافله مغرب در برخی روایات بیان شده است^۸، مستلزم این است که وقت فضیلت نماز عشا با تأخیر آغاز شود تا مؤمنین فرصت کافی برای انجام عبادت در این زمان ویژه و حساس را داشته باشند.

در میان فقهای معاصر آقای گلپایگانی نیز از مجموعه روایات اوقات نماز چنین استظهار فرموده‌اند که برای درک وقت فضیلت نماز دوم نیازی به تأخیر نیست و خواندن

۱. صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۶۵.
۲. حائری، ریاض المسائل، ج ۳، ص ۲۰.
۳. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۹۶.
۴. همان، ج ۶، ص ۴۳۹.
۵. همان، ص ۴۶۸.
۶. همان، ص ۴۵۳.
۷. همان، ص ۴۸۳.
۸. از ظاهر برخی از روایات استفاده می‌شود که مستحب است نافله مغرب با کیفیت خاصی خوانده شود.
ر.ک: حلی، فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۲۴۷.

نماز دوم بعد از نماز اول نیز از فضیلت وقت برخوردار است. صراحت بیان ایشان قابل توجه است: «خلاصه آنچه از مجموع ادله، استظهار می‌شود این است که اداء نماز، در اول وقت و هر زمانی که اقرب به اول وقت باشد، اگر تأخر، به جهت نافله یا انتظار جماعت نباشد افضل است، و الا تفریق و تأخیر افضل است. مثلاً اگر قاصد خواندن نافله یا منتظر جماعت نباشد، خواندن نماز عصر بعد از ظهر افضل است، ولی جمع بین صلاتین بنحو جمع تأخیر بدون علت، مرجوح است. پس خلاصه استظهار این می‌شود که تفریق بین صلاتین فی حدّ نفسه از جمع تأخیر، مطلقاً افضل است و جمع بین صلاتین به جمع تقدیم فی حدّ نفسه از تفریق، افضل است. و الله العالم»^۱.

احتمال عدم ثبوت وقت فضیلت نماز عشا هنگام سقوط شفق

آنچه از نماز رسول خدا ﷺ نقل شده،^۲ خواندن نماز عشا در هنگام سقوط شفق است. با این وجود، در روایاتی^۳ پیامبر فرمودند: اگر بر مؤمنین سخت و دشوار نبود، نماز عشا را بعد از سپری شدن یک سوم شب یا مانند آن، به تأخیر می‌انداختم.^۴ نیز فرمودند: اگر خواب کودکان و ضعف سالمندان نبود نماز عشا را تا ثلث شب به تأخیر می‌انداختم؛ یعنی وقت فضیلت نماز عشا را ثلث شب قرار می‌دادم.^۵ همین مضمون در روایات عامه نیز وجود دارد.^۶ واضح است که مراد از تأخیر پیامبر، صرفاً تأخیر عملی ایشان نیست، بلکه مراد جعل تأخیر وقت فضیلت نماز عشا است؛ زیرا تأخیر عملی پیامبر اگر همراه با جعل و تشریح نباشد، مستلزم مشقت بر امت نخواهد بود.^۷

این روایات، اشعار بدان دارند که خواندن نماز هنگام سقوط شفق، نه برای درک وقت فضیلت، بلکه صرفاً برای تسهیل بر مردم بوده است. بنابراین تحقق وقت واقعی فضیلت

مباحث

فضیلت اقامه نمازهای ظهرین و عشاّین در آغاز وقت

۱. گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲. عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، صص ۱۵۶-۱۵۸، ح ۳ و ۵.

۳. همان، ج ۴، صص ۱۸۵، ۱۸۶، ۲۰۰، ۲۰۱.

۴. همان، ص ۲۰۱.

۵. همان، ص ۱۸۵.

۶. دارمی، مسند الدارمی، ج ۲، ص ۷۷۶.

۷. خوبی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۱، ص ۱۲۶.

نماز عشا، به هنگام سقوط شفق واضح نیست و شاید وقت فضیلت نماز عشا، همان فضیلت نماز اول وقت باشد که بعد از خواندن نماز مغرب و نوافل آغاز، و تا گذشت یک سوم شب ادامه دارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموعه روایات باب اوقات نماز استفاده می شود که ابتدای وقت فضیلت نمازهای عصر و عشا، زمان خاص و مشخصی ندارد و بعد از خواندن نماز ظهر و مغرب و نوافل مرتبط آغاز می شود و روایاتی که زمان معینی را برای وقت فضیلت نماز عصر و عشا بیان کرده اند، در واقع درصدد بیان زمان خواندن نوافل و نیز ترغیب و تشویق بدان هستند. شدت اهتمام شارع مقدس به نوافل یومیه سبب شده تا همانند نمازهای واجب، زمانی برای نوافل اختصاص یابد تا جایگاه و ارزش نوافل نزد مردم محفوظ بماند.

جواز جمع بین نمازها در باور شیعیان سبب شد تا تقیه در بیان اوقات نماز نسبت به سایر احکام نماز شدیدتر باشد و روشن است که در چنین فضایی تصریح به این مطلب که برای درک وقت فضیلت، به تفریق بین نمازها نیازی نیست، بسیار دشوار بوده و شاید به همین جهت نص خاصی به این مضمون از ائمه علیهم السلام صادر نشده است؛ ولی با بررسی مجموعه روایات در باب اوقات نمازها این مطلب به خوبی قابل استفاده است که برای درک وقت فضیلت نیازی به تأخیر نماز عصر و عشا وجود ندارد و خواندن آنها نیز در اول وقت، خروج از وقت فضیلت نیست.

منابع و مأخذ

۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۲. اصفهانی، فاضل هندی، محمد بن حسن، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۳. انصاری، مرتضی، کتاب الصلاة، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۰۵ق.
۵. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: وزارة الاوقاف، چ ۲، ۱۴۱۰ق.

٦. بروجردی، حسین طباطبایی، تبيان الصلاة، قم: گنج عرفان، ج ١، ١٤٢٦ق.
٧. تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحين، قم: مجمع الإمام المهدي عليه السلام، ج ١، ١٤٢٦ق.
٨. حائری، علی بن محمد طباطبایی، رياض المسائل في تحقيق الأحكام بالدلائل، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج ١، ١٤١٨ق.
٩. حكيم، محسن طباطبایی، مستمسك العروة الوثقى، قم: مؤسسة دار التفسير، ج ١، ١٤١٦ق.
١٠. حلبي، ابن زهره، حمزة بن علي، غنية النزوع الى علمي الاصول و الفروع، قم: مؤسسۀ امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٤١٧ق.
١١. حلبي، سيد ابن طاووس، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزة علميه قم، ج ١، ١٤٠٦ق.
١٢. حلبي، علامه، حسن بن يوسف، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسۀ امام صادق عليه السلام، ج ١، ١٤٢٠ق.
١٣. _____، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ج ١، ١٤١٤ق.
١٤. _____، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ج ١، ١٤١٢ق.
١٥. حلبي، محقق، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسۀ اسماعيليان، ج ٢، ١٤٠٨ق.
١٦. خراساني، حسين وحيد، منهاج الصالحين، قم: مدرسه امام محمد باقر عليه السلام، ج ٥، ١٤٢٨ق.
١٧. خويي، ابوالقاسم موسوي، التقيح في شرح العروة الوثقى، قم: [بي نا]، ج ١، ١٤١٨ق.
١٨. _____، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرجال، [بي نا]، [بي جا]، [بي تا].
١٩. _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي، ج ١، ١٤١٨ق.
٢٠. دارمي، عبدالله بن عبدالرحمان، مسند الدارمي (سنن الدارمي)، رياض: دارالمغني، ج ١، ١٤٢١ق.
٢١. ديلمی، سلار، حمزة بن عبد العزيز، المراسم العلوية و الأحكام النبوية في الفقه الإمامي، قم: منشورات الحرمين، ج ١، ١٤٠٤ق.
٢٢. زنجاني، موسى شيرى، كتاب نكاح، قم: مؤسسۀ پژوهشی رای پرداز، ج ١، ١٤١٩ق.
٢٣. صدوق، محمد بن علي بن بابويه، معاني الأخبار، قم: انتشارات اسلامي، ج ١، ١٣٦١ش.
٢٤. _____، كتاب من لا يحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ٢، ١٤١٣ق.
٢٥. طرابلسي، ابن براج، قاضي، عبد العزيز، المهذب، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ١، ١٤٠٦ق.
٢٦. طوسي، محمد بن علي بن حمزه، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی، ج ١، ١٤٠٨ق.
٢٧. طوسي، محمد بن حسن، العدة في اصول الفقه، قم: محمدتقي علاقبندان، ج ١، ١٤١٧ق.

٢٨. _____، الفهرست، نجف: المكتبة الرضوية، ج١، [بى تا].
٢٩. _____، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى، بيروت: دار الكتاب العربي، ج٢، ١٤٠٠ق.
٣٠. _____، تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج٤، ١٤٠٧ق.
٣١. _____، رجال الشيخ الطوسي - الأبواب، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج٣، ١٤٢٧ق.
٣٢. _____، مصباح المتعجب، بيروت: مؤسسة فقه الشيعة، ج١، ١٤١١ق.
٣٣. عاملی، حر، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤٠٩ق.
٣٤. _____، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج١، ١٤١٩ق.
٣٥. عاملی، شهيد اول، محمد بن مكى، ذكرى الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤١٩ق.
٣٦. عاملی، محمد بن على موسى، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ج١، ١٤١١ق.
٣٧. كشي، محمد بن عمر بن عبدالعزيز، رجال الكشي، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ١٤٠٩ق.
٣٨. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دار الكتب الإسلامية، ج٤، ١٤٠٧ق.
٣٩. گلپایگانی، محمدرضا موسى، مجمع المسائل، قم: دارالقران الكريم، ج٢، ١٤٠٩ق.
٤٠. گیلانی، شفتی، محمداقبر، تحفة الابرار الملتقط من الآثار الاثمه الأطهار عليهم السلام، اصفهان: انتشارات كتابخانه مسجد سيد، ج١، ١٤٠٩ق.
٤١. لنكرانى، محمد فاضل موحدى، الأحكام الواضحة، قم: مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، ج٤، ١٤٢٢ق.
٤٢. مغربى، نعمان بن محمد تيممى، دعائم الاسلام، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج٢، ١٣٨٥ق.
٤٣. مقدسى، ابن قدامه، عبدالرحمان، الشرح الكبير على متن المقنع، بيروت: دار الفكر، [بى تا].
٤٤. منسوب به امام رضا عليه السلام، الفقه - فقه الرضا عليه السلام، مشهد: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج١، ١٤٠٦ق.
٤٥. نانينى، محمد حسين، كتاب الصلاة، قم: انتشارات اسلامي، ج١، ١٤١١ق.
٤٦. نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشي - فهرست أسماء مصنفى الشيعة، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٧ق.
٤٧. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث العربي، ج٧، [بى تا].
٤٨. همدانى، رضا بن محمد هادى، مصباح الفقيه، قم: مؤسسة الجعفرية لإحياء التراث و مؤسسة النشر الإسلامى، ج١، ١٤١٦ق.
٤٩. يزدى، محمد كاظم طباطبائى، العروة الوثقى فيما يعم به البلوى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ج٢، ١٤٠٩ق.